

هیچ کس بدون تمایل خودتان نمی تواند بیازارتان!

www.mandegardaily.com

سال ششم / شماره یک هزار سه صد و بیست و هشت / دوشنبه ۹ سرطان / تیر ۱۳۹۳ / ۲۰ رمضان المبارک ۱۴۳۵ / ۳۰ جون ۲۰۱۴

د برمل د درغلیو کیسه څه وه؟  
د رسوایی بله څپه

د ضیال الحق امرخېل او په پکتیکا کې د ولایتي کمېسیون مشر: امرخېل: وروره له دې خپلو کارمندانو سره په تماس کې شوی یې که نه؟ په پکتیکا کې د ولایتي کمېسیون مشر: په تماس کې شوی یم. امرخېل: هغوی درته څه وویل؟ په پکتیکا کې د ولایتي کمېسیون مشر: موضوع خو دا ده چې یو څه شوي دي. اوس نښه خبره دا ده چې زه له والي صیب او قوماندان صیب سره ناست یمه. دوی د اردو له هغه قوماندان سره زیاته خواري وکړه چې خبره ورسره وکړي او یو څه ته یې قانع کړي چې خبره واخلي. خو د اردو قوماندان وايي ما اوس خبره کړې ده. یوازینی خبره دا ده چې زموږ ناظرین یې وهلي ټکولي دي. په شلو صندوقونو کې یې دولس زره رایې اچولي دي. بیا یې ویدیو کړې او دوی...

ادامه صفحه ۶

## داکتر عبدالله اتمام حجت کرد!



صفحه ۶

## رستاخیز مردمی



هارون مجیدی

روز جمعه (۶ سرطان) دهه هزار تن از شهروندان کابل و هواداران تیم اصلاحات و همگرایی در یک راهپیمایی مسالمت آمیز در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری، خواهان جداسازی آرای پاک از ناپاک گردیدند.

این معترضان از سه منطقه: میدان هوایی، سلیم کاروان و غرب کابل راهپیمایی خود را آغاز کرده و در چوک فواره آب باهم یکجا گردیدند. اعتراض کنندگان کمیسون انتخابات و حکومت را متهم به همکاری با تقلب کاران کرده گفتند، تنها

جداسازی آرای پاک از ناپاک ما را به آینده آرزومند می سازد.

همچنان، در همین روز صدها تن از شهروندان ولایت های بلخ و سمنگان به خاطر تقلب سازمان یافته به سود تیم تحول و تداوم راه پیمایی کرده و گفته اند که باید عدالت انتخاباتی رعایت شود.

اعتراض کنندگان این شعارها را سر می دادند: «رای ما عزت ماست»، «اعمالان تقلب باید محاکمه شوند»، «قیام ما در برابر تقلب گسترده است»، «نتایج عملکرد کمیسون انتخابات را مردود می شماریم»، «رای ما کجاست؟»، «از جان خود می گذریم؛ از رای خود نه»، «ما ملت بیداریم؛ از تقلب بیزاریم».

دفاع از رأی مردم

در این خیزش های خودجوش مردمی که ساعت هشت بامداد جمعه از چندین نقطه شهر شروع شد، اعضای ارشد تیم اصلاحات و همگرایی نیز حضور داشتند.

داکتر عبدالله عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی هم در میان شور و هیجان مردم حضور یافت و با پاره کردن تصاویر رییس پیشین دبیرخانه کمیسون انتخابات و تصاویری...

ادامه صفحه ۶

ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله در واکنش به پاسخ منفی کمیسون به درخواست های شان:

## دیگر کمیسون های انتخاباتی مشروعیت ندارند

مسئول ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله گفت که کمیسون انتخابات در تقلب های انتخاباتی «مستقیماً نقش داشته است».

خواست داکتر عبدالله

داکتر عبدالله از کمیسون انتخابات خواسته است تا در ولایاتی که به نفع رقیبش اشرف غنی احمدزی، به صورت گسترده تقلب شده، دوباره انتخابات برگزار شود. تیم انتخاباتی داکتر عبدالله می گوید در ولایات خوست، پکتیا و پکتیکا به صورت سیستماتیک تقلب صورت گرفته است.

اما این تیم روز یکشنبه اعلام کرد که این خواست آن ها از سوی کمیسون انتخابات پذیرفته نشده است. تیم داکتر عبدالله گفت که کمیسون انتخابات و کمیسون شکایات انتخاباتی هر دو از نظر آن ها قانونیت ندارند و فیصله های شان مدار اعتبار نیست.



به سود اشرف غنی احمدزی افشا شد. آقای ارسلاهی گفت در انتخابات ۲۴ جوزا مقام های دولتی و کمیسون انتخابات پروژه یی را به نفع یکی از نامزدان به پیش برده اند: «مقام های کمیسون انتخابات همراه با مقام های دولتی زمینه تقلب را فراهم کرده و یک پروژه دیزاین شده را عملی کرده اند که در این پروژه به صورت آشکارا برای یک نامزد خاص کار کرده اند». این

ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله اعلام کرد که کمیسون انتخابات تمامی خواست های این ستاد را رد کرده است. این ستاد گفت کمیسون انتخابات بی طرف نیست و به سود یکی از کاندیدان کار می کند.

ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله گفته است که کمیسون انتخابات افغانستان خواست این نامزد را برای برگزاری دوباره انتخابات در برخی از ولایت های شرقی رد کرده است. این ستاد می گوید که در برخی ولایات، شمار آرا با تعداد نفوس آن ها تناسب ندارد.

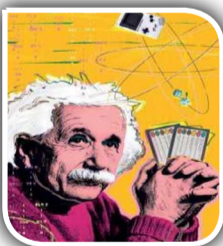
نصرت الله بریالی ارسلاهی، رییس دفتر مبارزات انتخاباتی داکتر عبدالله روز یکشنبه (۸ سرطان ۱۳۹۳) در یک کنفرانس خبری گفت: «پس از امروز ما تمام فیصله های کمیسون انتخابات و کمیسون شکایات انتخاباتی را رد می کنیم و برای ما هیچ گونه قانونیت و مشروعیت ندارد». آقای عبدالله همکاری خود را پس از آن با کمیسون های انتخاباتی افغانستان به حالت تعلیق درآورد که اسناد و شواهد معتبر مبنی بر تقلب گسترده کمیسون انتخابات

## در برگ ها



## انتخابات و شرایط بمب ساعتی در افغانستان

## آیا دانش مردمی و دانش تخصصی در تضاد اند؟



## مفهوم شناسی ارتباط در مکتب کنش متقابل نمادین

## شکست دکترین ضعیف اوباما در عراق



روح الله یوسفزاده

# انتخابات و شرایط بمب ساعتی در افغانستان

برکناری ضیاءالحق امرخیل به عنوان یک فرد خیانتکار و متقلب، و برگزاری مجدد انتخابات در برخی مناطق. هم‌چنان، تیم انتخاباتی دکتر عبدالله، گفت‌وگوهای تلفونی آقای امرخیل را با اعضای ستاد انتخاباتی تیم تحول و تداوم، مقام‌های حکومتی و همکارانش در کمیسیون انتخابات افشا کرد (امرخیل در این گفت‌وگوها به زبان رمز، به انجام تقلب‌ها دستور می‌داد). دکتر عبدالله با قاطعیت اعلام کرد که این‌بار از مطالبات برحق خود عقب نمی‌نشیند و از آرای مردم با جان‌ودل پاسداری خواهد کرد. اما در سوی دیگر، کمیسیون انتخابات و تیم تحول و تداوم و هم‌چنین ارگ ریاست‌جمهوری، به جانب‌داری و حمایت از امرخیل و شیوه برگزاری انتخابات پرداختند و به گونه زیرکانه برای آقای امرخیل، زمینه استعفا تقریباً آپرومندانه را مساعد نمودند. امرخیل رفت، ولی ارگ و کمیسیون‌های انتخاباتی بدون آن‌که سخن از پی‌گیری اتهامات وی بزنند، از امرخیل و کارنامه‌اش تقدیر کردند و تقلب‌ها و اصرار کمیسیون‌ها بر درستی عمل‌کرده‌هایشان و خرسندی تیم تحول و تداوم از وضعیت نیز به‌جای خود باقی ماند.

در این روزها، پایتخت و گوشه و کنار کشور، شاهد تجمعات مدنی و راهپیمایی‌های پرشور ضد تقلب است. در روز جمعه گذشته، ده‌ها هزار نفر از مردم کابل از نقاط مختلف پایتخت به‌راه‌افتادند و همه‌گی در نزدیکی ارگ ریاست‌جمهوری به‌هم پیوستند و علیه تقلب و مهندسی در انتخابات فریاد سر دادند. آقای عبدالله و استاد محقق معاون دوم وی که در میان مردم حضور داشتند، از ایستاده‌گی قاطعانه در برابر تقلب سخن گفتند و ارگ را مسوول مشکلات دانستند. امرالله صالح عضو ارشد تیم اصلاحات و همگرایی نیز هشدار داد که اگر به خواسته‌های برحق آن‌ها توجه نشود، خود دروازه‌های قدرت را به روی رییس‌جمهور منتخب مردم افغانستان باز می‌کنند. این‌ها همه درحالی‌ست که کمیسیون انتخابات هم‌چنان بر رد درخواست‌های دکتر عبدالله و ادامه فعالیت خود بر اساس تقویم انتخاباتی اصرار دارد، تیم تحول و تداوم خود را پیروز انتخابات می‌داند و آقای کرزی نیز به بازی با انتخابات ادامه می‌دهد. از سوی دیگر، همه می‌دانیم که در افغانستان کاربرد زور و خشونت، یک گزینه است و خیلی وقت‌ها از آن گریزی نیست. دکتر عبدالله در انتخابات ۱۳۸۸، جام زهر نوشید، تن به مصلحت داد و از حق خود کنار رفت. اما او این‌بار به انتخابات ۹۳، با امیدها و ظرفیت‌های فراوان گام نهاده است. او امروز محبوب‌ترین چهره در افغانستان به‌شمار می‌آید، معاونان قوی و مردمی را در کنار خود دارد، حمایت گسترده همه اقوام را به‌سوی خود جلب کرده است، و امروز بخش بسیار بزرگی از مردم افغانستان، مشتاق پیروزی دکتر عبدالله هستند و در راه تحقق این مأمول، حاضر به انجام هر فداکاری می‌باشند. اما در جانب دیگر، تقلب‌ها به سود دکتر اشرف‌غنی را کسانی سامان داده‌اند که به کتاب «سقاوی دوم» ایمان دارند و بر آن‌اساس و به زعم خود، می‌خواهند از رییس‌جمهور شدن یک فرد غیرپشتون جلوگیری کنند. حال آن‌که اگر آموزه‌های «سقاوی دوم» را هم معیار قرار دهند، نمی‌توان دکتر عبدالله را - که از یک پدر قندهاری و مادر پنجشیری زاده شده - غیرپشتون حساب کرد.

رییس‌جمهور شدن مشروع دکتر عبدالله در افغانستان، یک نقطه عطف برای تاریخ افغانستان و یک گذار استثنایی از باورهای کور و منقطع قبیله‌یی است؛ و همین‌طور کنار زدن او به‌واسطه تقلب‌های وقیحانه و آفتابی، یک عقب‌گرد تاریخی و یک سقوط مضاعف به گودال جنگ‌های قومی و تجزیه‌طلبانه است. این‌جاست که می‌توانیم انتخابات و اوضاع امروز را بمب ساعتی‌یی خواند که اگر با آن عقلانی برخورد شود، نه تنها خطر انفجار ساقط می‌گردد، بلکه افغانستان یک گام بزرگ به جلو خواهد برداشت. ولی اگر این وضعیت اضطراری را ارگ ریاست‌جمهوری، سازمان ملل و برتری‌طلبان قومی درک نکنند، این بمب با اعلام نتایج یک‌طرفه و جانب‌دارانه انتخابات، خواهی‌نخواهی انفجار خواهد کرد و ویرانی و مصیبت ناشی از آن، دامن متقلب‌ها و غیرمتقلب‌ها را خواهد گرفت!

انتخابات ریاست‌جمهوری در این روز، با حضور پرشور مردم برگزار شد. ولی در همان روزهای نخست پس از آن، خبرهایی از تقلب و مهندسی در انتخابات به گوش رسید و تا پایان پروسه شمارش آرا ادامه یافت. اما به‌رغم همه مشکلات و نارسایی‌ها، نتایج این انتخابات رضایت‌نسی نامزدان مطرح و پیش‌تاز را جلب کرد و بر اساس نتایج اعلان شده، دکتر عبدالله با کسب ۴۵ درصد آرا و دکتر اشرف‌غنی احمدزی با کسب ۳۱ درصد آرا درحالی‌ست که در دور دوم انتخابات راه یافتند که تیم اصلاحات و همگرایی برای برگزاری شفاف دور دوم انتخابات، برخی پیشنهادها به حکومت داشت که به هیچ‌کدام از آن‌ها اعتنا صورت نگرفت.

## انتخابات ۲۴ جوزا

دور دوم انتخابات در ۲۴ جوزا برگزار شد. اما این‌بار بر اساس گزارش‌ها و شواهد عینی، هم حضور مردم در انتخابات کم‌رنگ بود و هم زمینه تقلب نسبت به دور نخست، بیشتر وجود داشت. اما درست در ساعات پایانی برگزاری انتخابات، یک رویداد باعث بالا گرفتن موج بی‌اعتمادی‌ها نسبت به کمیسیون‌های انتخاباتی شد. در ساعت ۳ بعد از ظهر، دو موتر حامل برکه‌های رای‌دهی که به دستور ضیاءالحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات، بدون هماهنگی با نیروهای امنیتی به طرف سروبی در حرکت بود، توسط پولیس کابل توقف داده شد و میان فرمانده پولیس و آقای امرخیل نزاع‌های لفظی رخ داد. سرانجام در این قضیه، شخص آقای کرزی و وزیر داخله به گونه شتاب‌زده دخالت کردند، موترها



به کمیسیون انتخابات انتقال داده شدند و آقای امرخیل نیز به وظیفه‌اش بازگشت. به این رویداد از هر زاویه‌یی که نگاه می‌شد، خیر از سازمان‌یابی یک تقلب گسترده توسط یک مقام ارشد کمیسیون انتخابات در هماهنگی با برخی مقامات بلندرتبه حکومت می‌داد. چنان‌که بلافاصله پس از پایان زمان رای‌دهی، بسیاری از هواداران و ناظرین انتخاباتی دکتر عبدالله، گزارش‌هایی از انجام تقلب‌های گسترده به سود دکتر اشرف‌غنی در نقاط مختلف کشور، به ستاد انتخاباتی اصلاحات و همگرایی ارایه کردند. به‌سرعت این گزارش‌ها با اسناد قوی، همراه و به تیم دکتر عبدالله ارایه شدند و خطرات تلخ انتخابات ۱۳۸۸ را تازه کردند و پس‌لرزه‌های انتخاباتی آغاز گرفتند.

## بن‌بست در انتخابات و خطر وقوع خشونت

دکتر عبدالله به عنوان پیش‌تازترین نامزد دور نخست و رهبر وزین‌ترین تیم انتخاباتی - به‌ویژه پس از پیوستن همه نامزدهای نسبتاً پرنفوذ انتخابات ریاست‌جمهوری و شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی مطرح افغانستان به وی - پس از ارزیابی گزارش‌ها و اسناد دال بر تقلب‌های میلیونی، خود را در برابر یک توطیه و ظلم آشکار دید و در نخستین واکنش جدی خود به این وضعیت، همه ناظران انتخاباتی‌اش را فراخواند، کمیسیون انتخابات را غیرقابل اعتماد دانست، ارتباط خود را با کمیسیون‌های انتخاباتی قطع کرد و برای از سرگیری روابط با کمیسیون‌ها، شرط‌هایی ارایه کرد - از جمله

پیش‌گفتار:

تصور کنید یک بمب‌زمان‌دار زیر ستون‌های یک ساختمان مملو از جمعیت کار گذاشته شده و هر آن، خطر انفجار بمب و ریزش ساختمان و کشته شدن بی‌شمار انسان می‌رود. عقلانیت و منطق حکم می‌کند که همه نیروها برای پیدا کردن بمب و خنثاسازی آن بسیج شوند. شرایط و اوضاع امروز افغانستان، شبیه چنین حالتی‌ست که در آن افغانستان حکم ساختمان مملو از جمعیت را دارد و انتخابات نیز مصداق آن بمب ساعتی‌بی‌ست که هر آن خطر انفجارش و فروپاشی کشور می‌رود. این نوشته می‌کوشد این شرایط را برای خواننده‌گان گرامی تبیین و تفهیم کند.

## انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸

داستان تلخ انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، تقلبات بسیار گسترده و رویارویی آقای کرزی و عبدالله را همه نیک می‌دانند. در آن انتخابات نیز آرای تقلبی میلیونی به‌همکاری ارگان‌های دولتی و کمیسیون انتخابات به سود آقای کرزی به صندوق‌ها ریخته شد؛ ولی با این حال، آقای کرزی نتوانست کار انتخابات را یک‌سره کند و به‌ناچار می‌بایست انتخابات میان دکتر عبدالله و او به دور دوم می‌رفت. اما دکتر عبدالله به دلیل آن‌که ارگ به پیشنهادهایش برای جلوگیری از تقلب در دور دوم هیچ توجهی نکرد، از شرکت در آن دور از انتخابات انصراف داد. با توجه به این‌که تقلب‌های صورت‌گرفته به نفع آقای کرزی برای همه آشکار شده بود و از طرف دیگر بدون وارد آمدن کمترین اصلاحات در ساختار کمیسیون‌های انتخاباتی، این تقلب‌ها در دور دوم شدت و

# سخن‌ماندگار

## پاسخ هوایی کمیسیون‌ها

### به اسناد ارایه شده

پس از ارایه سندهای صوتی توسط تیم اصلاحات و همگرایی که نشانگر تقلبات گسترده و سازمان‌یافته در انتخابات ریاست‌جمهوری بود، کمیسیون مستقل انتخابات نیز پاسخ منفی به ستاد دکتر عبدالله داده و نیز کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی گفته است که بررسی‌ها درباره سندهای نشرشده منسوب به ضیاءالحق امرخیل، رییس دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات، آغاز شده است؛ اما نشست علنی برای رسیده‌گی به این موضوع هنگامی برگزار خواهد شد که منبع ضبط این صداها، قانونی بودن این منبع، دیدگاه‌های متخصصان درباره این صداها و زمان تهیه این صداها روشن گردند.

این استدلال زمانی صورت می‌گیرد که ستاد انتخاباتی دکتر عبدالله، پس از نشر گفت‌وگوهای تلفونی امرخیل، اسناد و گفت‌وگوهای دیگری را نیز در پیوند با تقلب و مهندسی انتخابات در محضر رسانه‌ها فاش ساخت. اما حالا کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی می‌گوید که برای این کمیسیون قبل از بررسی صدای مربوط به امرخیل، مهم این است که بدانند: «منبع ثبت این اسناد چی است، کجا است و آیا این منبع، قانونی است یا خیر. آیا منبعی که این اسناد را ضبط کرده، مجوز قانونی داشته است یا خیر. و دیگر این‌که نظر متخصصان در این قضیه بسیار مهم است و آخرین مورد هم این است که این اسناد در کدام زمان تهیه شده است.»

این نوع برخورد نشان می‌دهد که کمیسیون شکایت‌ها به‌سان کمیسیون مستقل انتخابات، در تلاش نپرداختن به این اسناد است و این‌گونه می‌خواهد در برابر اقدامات تیم اصلاحات و همگرایی بایستد. این نوع استدلال کمیسیون شکایات انتخاباتی، نشان می‌دهد که رهبری این کمیسیون تا کنون حد و حدود صلاحیت خود را نشناخته و یا با این فرافکنی‌ها و بهانه‌تراشی‌ها می‌خواهد اعتبار این اسناد را در نزد افکار عامه مغشوش سازد و در نتیجه، روند دل‌خواه ارگ ریاست‌جمهوری را به ثمر برساند. در حالی که زینده است که کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی، تنها به جنبه انتخاباتی سندهای افشاشده بپردازد و وظایف نهادهای عدلی و قضایی را به خود این نهادها واگذار نماید.

کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی به‌جای این‌که پشت این بگردند که این صداها چه‌گونه به دست آمده‌اند، باید به این مهم بپردازند که این صداها نشانگر چه هستند و چه تأثیری بر روند انتخابات داشته‌اند و صاحبان صداها چه مداخلات و تقلباتی را در روند طبیعی انتخابات صورت داده‌اند. به خصوص حالا که دور دیگر این صداها به نشر رسیده‌اند، باید این کمیسیون به بررسی مجدد کارهای امرخیل در کمیسیون انتخابات بپردازد و باید تمام بی‌نظمی‌هایی را که امرخیل در این روند به وجود آورده است، بررسی کند و رسیده‌گی به بخش جرمی ثبت صداها را نیز به نهادهای عدلی و قضایی صاحب‌صلاحیت واگذارد.

بدون شک مرجعی هم که این صداها را تهیه کرده است، در صورت عدم صحت آن، در برابر قانون پاسخ‌گوست و این روند، یک روند طولانی‌ست که یک مرحله خاص و جداگانه را در بر می‌گیرد.

اما باید کمیسیون شکایت‌ها این را بدانند: زمانی که ستاد انتخاباتی دکتر عبدالله، منبع و مرجع ثبت این صدا را افشا کند و چه‌گونه‌گی به‌دست آوردن اسناد را برملا سازد، دیگر کاری برای کمیسیون شکایات باقی نمی‌ماند و همه روند برهم می‌خورد.

به هر صورت، به نظر می‌رسد که کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی، مثل کمیسیون انتخابات، به اشاره ارگ ریاست‌جمهوری عمل می‌کند و این‌گونه در حمایت از یک تیم انتخاباتی قرار دارد. اگر چنین نیست، باید این کمیسیون‌ها به خواست‌های یک طرف جریان انتخابات به گونه بسیار جدی رسیده‌گی کنند، نه این‌که با ادبیات تیم رقیب تیم اصلاحات و همگرایی، وارد عمل و رویارویی با تیم دکتر عبدالله شوند.

انتخابات ۱۶ حمل

پایگاه تحلیلی دیلی بیست

# شکست دکترین ضعیف اوباما در عراق

باشد. اگرچه اوباما اکنون می‌خواهد این قسمت از تاریخ را پاک کند. ما همگی به خاطر داریم که پایان جنگ عراق یکی از وعده‌های غیر قابل انعطاف کمپین ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ وی بود. در همان دوران وعده داد که تمام نیروها را از عراق به خانه بازمی‌گرداند. اوباما در سپتامبر سال ۲۰۱۲ گفت: چهار سال پیش من قول دادم که به جنگ عراق خاتمه دهم و این کار را انجام دادیم. در نهایت اینکه خروج از عراق بخش گمراه کننده سیاست اوباما نبوده بلکه بخش افتخار آمیز دکترین سیاست خارجی گسترده اوباما بود که بر مبنای کاهش و محدود کردن نقش آمریکا در جهان بنیان نهاده شد تا به کشور سازی در داخل تمرکز کند. این احساسات اوباما درست بود و مورد استقبال جامعه خسته از جنگ آمریکا قرار گرفت. مشکل این است که برای موفقیت

ایجاد عراقی «مستقل، با ثبات و متکی به خود» ستود، بنابراین مساله اصلی این نیست که آیا عراق با موفقیت به ثبات رسیده است یا خیر بلکه مساله این است که چرا اوباما دستور عقب نشینی تمام نیروهای آمریکایی و مشاوران نظامی را از کشوری صادر کرد که تجربه شکننده‌ای در حکمرانی داشت. آمریکا ده‌ها هزار نیرو در جاپان، آلمان و کره داشته است و این در حالی است که جنگهای آنها پایان یافته است. اوباما در حال حاضر اصرار دارد که در واقع می‌خواسته نیروهایی را در عراق باقی بگذارد اما نوری مالکی، نخست وزیر عراق بر خروج نیروها اصرار داشته است. وی طی روزهای گذشته در پاسخ به خبرنگاری که پرسید آیا از خروج نیروها پشیمانید گفت: به یاد داشته باشید این تصمیم را من نگرفتم. این تصمیمی بود که

باراک اوباما، در شرایطی نوری مالکی را همواره سرزنش می‌کند که دولتش بغداد را در شرایط آسیب پذیری ترک کرد و وی در سال ۲۰۱۲ مدعی شد به جنگی خاتمه داده که از ابتدا مخالف آن بوده است. این سوال که چه کسی عراق را از دست داده است، محل گفت‌وگو، بحث و ساختار شکنی کارشناسان و پژوهندگان سیاست خارجی آمریکا است که برای نسل‌های آتی برنامه‌ریزی می‌کنند. انفجار عراق و گسترش جنبش‌های شبه‌نظامی الهام گرفته از القاعده در سراسر قلب خاورمیانه نشان دهنده نوعی شکست به یاد ماندنی برای سیاست خارجی آمریکا است که از دوران جنگ سرد بر سر «چه کسی در چین شکست خورد؟» و «چه کسی سر وینتام شکست خورد؟» دیده نشده بود. اما به رغم اهمیت درک اینکه چه کسی یا چه چیزی بیشتر مسئول شکست کنونی در عراق است تشخیص نقش گسترده آمریکا در جهان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

به یاد داشته باشیم که هنوز بیش از دو سال از دوران ریاست جمهوری اوباما باقی است و با هر اندازه‌گیری، چشم انداز آتی تیره و تار به نظر می‌رسد. در واقع عراق جدیدترین و تازه‌ترین فاجعه سیاست خارجی برای دولتی محسوب می‌شود که برای کاهش نقش آمریکا در جهان وسواس دارد. هنوز هم زمان برای تصحیح وجود دارد. اما برای اینکه این اتفاق روی دهد، دولت اوباما باید کمتر دغدغه پیروزی در «بازی مقصر» با عراق را داشته باشد و بر روی بازسازی رهبری جهانی آمریکا تمرکز کند. قطعاً این بدان معنی نیست که کاخ سفید هم اکنون در حالت تدافعی کامل در عراق به سر می‌برد و خود را از هرگونه مسوولیتی که مرتبط با حوادث باشد، مبرا بداند. دولت اوباما قطعاً در وهله اول جورج بوش، رییس جمهوری پیشین آمریکا را برای آغاز جنگ مقصر می‌داند که قطعاً درست است اما اکثریت دو حزبی در کنگره به حمله سال ۲۰۰۳ به عراق رای مثبت دادند. دولت اوباما همچنین تلاش می‌کند تا تمام تصمیم‌ها را به گردن دولت عراق بیاندازد چرا که آنها پیشنهاد حضور نیروهای آمریکایی را در عراق پس از پایان «قرارداد وضعیت نیروها» در سال ۲۰۱۱ نپذیرفتند. اما حقایق غیرقابل انکارند و حقیقت درباره عراق این است که با ورود اوباما به کاخ سفید در سال ۲۰۰۹ این کشور ثبات پیدا کرد و این در حالی است که پیش‌تر جورج بوش در سال ۲۰۰۷ سطح نیروها را در این کشور افزایش داد. اقدامی که در آن زمان با مخالفت دموکرات‌های کنگره و اوباما که سناتور بود، مواجه شد. پس از آن القاعده در عراق کاهش یافت، هزاران مشاور نظامی آمریکا نیروهای امنیتی و ارتش عراق را آموزش دادند و ده‌ها هزار نیروی آمریکایی به برقراری صلح کمک کردند؛ تمام اینها موجب رشد نوپا و ناقص دموکراسی شد. اوضاع و احوال بهبود یافته بود که جو بایدن، معاون رییس جمهوری آمریکا در فوریه سال ۲۰۱۰ گفت عراق با ثبات و دموکرات یکی از بزرگترین دستاوردهای این دولت خواهد بود. باراک اوباما نیز در دسامبر سال ۲۰۱۱ به این احساسات دامن زد و «دستاوردهای فوق العاده» آمریکا را برای

## برنامه‌ی برای دخالت نظامی در عراق نداریم

ویلیام هیگ:



وزیر امور خارجه انگلیس تاکید کرد که لندن هیچ برنامه‌ای برای دخالت نظامی در عراق ندارد اما ممکن است به شیوه‌های مختلف به بغداد در مواجهه با داعش کمک کند. به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، ویلیام هیگ با حضور در برنامه «اندرو مار شو» شبکه بی.بی.سی گفت: این بسیار حیاتی است که تمامی گروه‌های عراقی از جمله کردها، سنی‌ها و شیعیان در کنار هم برای کشورشان تلاش کنند.

وی ادامه داد: پایان دادن به تهدیدات داعش در عراق و سوریه به نفع تمامی کشورهای جهان است و انگلیس نیز ممکن است که به شیوه‌های مختلف به عراق کمک کند اما به فکر دخالت نظامی در عراق نیست و برای این کار نیز طرح و برنامه‌ای ندارد. دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس روز جمعه پس از آنکه ژان کلود یونکر به عنوان رییس آتی کمیسیون اروپا انتخاب شد، متحمل شکستی دشوار در اروپا شد. دیوید کامرون گفته است که خواهان تغییراتی در قوانین مربوط به نقل و انتقال مقامات و کارکنان در اتحادیه اروپا و حق آنها در بدست آوردن مزایا شده است تا طی آن پارلمان‌های کشورهای عضو بتوانند جلوی قوانین اتحادیه اروپا را بگیرند. وی همچنین متعهد شده که انگلیس را از پیمان ۱۹۵۷ اتحادیه اروپا بیرون خواهد کشید. ویلیام هیگ، ادامه داد: هنوز خیلی زود است که بگوئیم ما دیگر به اصلاحات مورد نظرمان نخواهیم رسید. وی افزود: نخست وزیر انگلیس سابقه خوبی در موفقیت در مذاکرات با اتحادیه اروپا داشته که از جمله آنها کاهش بودجه اتحادیه اروپا و وتو کردن یک پیمان مالیاتی بوده است. وزیر امور خارجه انگلیس در پاسخ به اینکه آیا این کشور به سمت خروج از اتحادیه اروپا حرکت می‌کند گفت: این انگلیسی‌ها هستند که در پایان در همه‌پرسی برنامه ریزی شده حزب محافظه کار درباره پاسخ این سوال تصمیم می‌گیرند.

## «ترکیه آماده پذیرش کشور کردستان در شمال عراق است»

حزب حاکم ترکیه اعلام کرد: دولت انقره آماده پذیرش کشور مستقل کردستان در شمال عراق به دنبال حمله شبه نظامیان به مناطق شمالی این کشور است. به نوشته روزنامه فایننشیل تایمز، حسین چلیک، سخنگوی حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه گفت: در گذشته کشور مستقل کردستان برای ترکیه دلیلی برای جنگ بود اما در حال حاضر هیچ کس حق گفتن چنین چیزی را ندارد. در ترکیه حتی واژه «کردستان» باعث نگرانی و عصبانیت مردم می‌شد اما نام آن‌ها کردستان است.

وی افزود: اگر عراق تقسیم شود که مساله‌ی اجتناب ناپذیر است، آن‌ها برادران ما خواهند بود. متأسفانه وضعیت در عراق خوب نیست و به نظر می‌رسد که این کشور تقسیم شود. ایجاد کشور مستقل کردستان از نظر انقره می‌تواند سپر احتمالی در برابر شورشیان دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» باشد که به دنبال تصرف بخش‌هایی از عراق تهدید برای امنیت منطقه‌ی محسوب می‌شوند. بیش از ۸۰ شهروند ترکیه‌ای به ویژه چند دیپلمات، نیروهای ویژه و رانندگان کامیون در موصل گروگان گرفته شده‌اند و ترکیه با عراق مرزی برابر با ۳۰۰ کیلومتر و با سوریه مرزی برابر با ۹۰۰ کیلومتر دارد؛ جایی که داعش اقدامات خشونت آمیز خود را در آنجا انجام می‌دهد. چلیک، نوری مالکی، نخست وزیر عراق و آمریکا را مقصر بی‌ثباتی در عراق می‌داند. وی گفت: آن‌ها صلح، ثبات و وحدت به وجود نیاوردند و تنها آشوب، بیوه و یتیم بر جای گذاشته‌اند. چلیک پذیرفت که ایجاد کشور مستقل کردستان انتخاب اول ترکیه نبوده است اما اگر کردهای شمال عراق از بغداد جدا شوند، ترکیه با این مساله کنار خواهد آمد. وی افزود: ترکیه‌ای‌ها نمی‌خواهند استقلال و خودمختاری را ترغیب کنند اما اگر این مساله رخ دهد، با آن کنار می‌آییم. اگر این مساله رخ دهد کردها در منطقه نفوذی و تحت کنترل خودشان قرار می‌گیرند.



این دکترین جهان باید آن را بپذیرد و با وجود بهترین تلاش‌های اوباما برای متقاعد کردن آمریکایی‌ها که دیگر جنگی رخ نخواهد داد، تیر اخبار چیز دیگری را به مردم آمریکا نشان می‌دهد؛ خواه الحاق کریمه به روسیه باشد، قدرت نمایی چین در دریای چین جنوبی باشد و یا کشته شدن هزاران تن در جنگ داخلی سوریه و یا قدرت نمایی داعش در شمال و غرب عراق. به همین دلیل است که موفقیت اوباما در سیاست خارجی به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است.

نه به این خاطر که آمریکایی‌ها نگران این هستند که اوباما کارهای زیادی را در امور خارجی انجام نمی‌دهد بلکه به خاطر این که تردیدهای وی در ارتباط با خطرات ملموس درگیر است به عنوان مثال در ماه جنوری اوباما داعش را از القاعده کم اهمیت‌تر خطاب کرد. در شرایطی که عراق هم اکنون در آتش جنگ می‌سوزد و مابقی کشورهای خاورمیانه در خطر است. شاید اوباما و تیم امنیت ملی‌اش در نهایت دکترین مورد نظرشان را به صورت غیررسمی به عنوان پشتیبان، مورد بازبینی قرار دهند. برخی مواقع افراط در احتیاط، بی‌دقت‌ترین رویکرد را به همراه خواهد داشت.

دولت عراق گرفت. باز هم می‌گویم که حقایق انکار ناپذیرند. حقیقت این است که مالکی به رغم مخالفت شدید داخلی تمایل داشت تا از حضور قوی نیروهای آمریکایی پس از ۲۰۱۱ استفاده کند و حتی پیشنهاد داد که به صورت محرمانه قرارداد وضعیت نیروها (SOFA) و اعطای مصونیت حقوقی به نیروهای آمریکایی را امضا کند. اما پس از آن شرایط خصوصاً به لحاظ سیاسی برای کاخ سفید پیچیده شد.

دولت آمریکا اول از همه اصرار کرد که هر توافقی با دولت مالکی باید به تاییدیه پارلمان متمدن عراق برسد؛ تقاضایی که تقریباً غیرممکن بود. اما این جریان هیچ‌گاه به آن مرحله نرسید چرا که مشاوران سیاسی کاخ سفید نگران انتخاب مجدد اوباما در انتخابات بودند و به شدت درخواست‌های پنتاگون را برای نگه داشتن حدود ۱۵ هزار نیرو که نهایتاً اوباما را با ۳۵۰۰ نیرو موافقت کرد، تحت فشار گذاشتند.

پس از آن آمریکا و عراق موافقت کردند که هر کدام راه خودشان را بروند. هیچ کدام از اینها نباید تعجب آور

### پادشاه عربستان:

## تروریست‌ها را نابود می‌کنیم



جهان اسلامی الگویی برای وحدت و سازش باشد. وی اظهار داشت: ما هیچ‌گاه به تروریست‌ها اجازه نمی‌دهیم که به وطن ما لطمه بزنند. عبدالله بن عبدالعزیز خاطر نشان کرد: ما به خاطر ایمان و اعتقاد خود به دین اسلام با هرگونه اقدام تروریستی مخالفیم. وی ادامه داد: ما با یاری خدا به مقابله با تروریسم می‌پردازیم و با همکاری و یاری هموطنان خود این آفت را از بین خواهیم برد. پیامی که توسط خبرگزاری رسمی عربستان سعودی

پخش شده، به دنبال بیانیه سابق پادشاهی سعودی درباره مبارزه با تروریست‌ها منتشر شده است. در بیانیه‌ای که دو روز پیش منتشر شد، پادشاه سعودی دستور داده بود که تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از نفوذ احتمالی عناصر تروریست از خاک عراق به سرزمین عربستان اتخاذ شود. ناظران سیاسی موضع‌گیری تازه پادشاه عربستان را با مذاکرات اخیر او با جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده در ارتباط می‌بینند. پادشاه عربستان همچنین طی دستوری امیر خالد بن بندر، معاون وزیر دفاع کشور را از مقامش برکنار کرد. او تنها ۴۵ روز در این مقام بود. در ۱۵ ماه گذشته این چهارمین باری است که پادشاه عربستان معاون وزیر دفاع را عوض می‌کند. در این بیانیه نه از علت این برکناری سخنی گفته شده و نه از جانشین معاون وزیر دفاع نامی برده شده است. نوری مالکی، نخست وزیر عراق به دنبال تسلط شورشیان مسلح بر برخی از شهرهای شمال کشور عربستان سعودی را به حمایت مالی و معنوی از آنها متهم کرد. او تصریح کرد که عربستان مسئول جنایاتی است که در عراق رخ می‌دهد. عربستان سعودی و قطر پیش از آن دولت نوری مالکی را به فرقه‌گرایی و کشاندن این کشور به وضعیت بحرانی متهم کرده بودند.

بخش دوم

## پاداش نقدی بهتر است یا غیر نقدی؟



محققان چارچوبی را به نام «تئوری قابلیت ارزیابی کلی» تعیین کردند که سه روش پایه را مشخص می‌کند. در این روش، افراد بخش‌هایی را برای استخراج اطلاعات در مورد ارزش ذهنی خود مقایسه می‌کنند. ما ممکن است از تجربه غیرقابل انکار خود از جهان، برای سنجش مطلوبیت یک مورد استفاده کنیم. (به طور مثال: دانش ذاتی ما در مورد هوای ۶۰ درجه سلسیوس به ما می‌گوید که این دما بسیار گرم است، اما در مورد ۲۱ درجه می‌گوید که این دما بسیار لذت‌بخش است). هم‌چنین ممکن است به مهارت‌های تخصصی هم تکیه کنیم؛ مثلاً زمانی که جواهرسازی الماس را مورد آزمایش قرار می‌دهد. یا دو عامل را به صورت ساده در کنار یکدیگر مقایسه کنیم؛ مثل: مزه کردن دو طعم متفاوت چیپس.

روئس می‌گوید: «وقتی به شکلی داستان‌گونه متوجه این الگوی اضافی «قابلیت سنجش» شدیم، از این‌که چه‌گونه می‌توانیم آن را با تئوری موجود نحوه ارزیابی امور توسط افراد ارتباط دهیم، دچار تعجب شدیم».

### بی‌عدالتی غیر قابل سنجش

محققان با طراحی یک آزمایش ساده جهت آزمودن این‌که آیا کم کردن میزان سنجش‌پذیری پاداش‌های ناعادلانه، میزان نارضایتی را نیز کم می‌کند یا خیر، کار خود را شروع کردند. آن‌ها به صورت تصادفی، ۱۲۰ دانشجوی چینی را به دو گروه تقسیم کردند: یک گروه «سود بیشتر» نامیده شد که ۶۰ درصد پاداش تعیین شده را دریافت می‌کردند و گروه دیگر «سود کمتر» نامیده شد که فقط ۴۰ درصد پاداش تعیین شده به اعضای آن تعلق می‌گرفت. هر یک از این گروه‌ها دوباره تقسیم شدند: بعضی افراد پاداش قابل سنجش به صورت نقدی دریافت کردند، در حالی که به بقیه پاداش غیرقابل سنجش، به شکل برشی از یک کیک داده شد (در هر دو حالت قابل سنجش و غیر قابل سنجش، نسبت ارزش پاداش‌ها به صورت ۶۰ درصد و ۴۰ درصد رعایت شده است). شرکت‌کننده‌گان گروهی که سود کمتر داشتند (۴۰ درصد)، نسبت به همکاران خود در گروه سود بیشتر، رضایت کمتری را گزارش دادند.

اما افرادی که به جای پول نقد کیک دریافت کردند، نارضایتی بسیار کمتری داشتند. در یک مقیاس بر اساس ۷ واحد (۷ بیشترین میزان رضایت و یک کمترین میزان رضایت)، افرادی که پاداش آن‌ها کیک بود، دارای میانگین رضایت ۵ بودند. در حالی که میزان رضایت گروهی که پول نقد کمتر دریافت کردند، فقط ۲ بود. اختلاف میان میزان رضایت گروه‌های سود بیشتر و سود کمتر که کیک دریافت کردند، بسیار کمتر بود. اعضای گروه سود بیشتر که قسمت بزرگ‌تری از کیک را دریافت کردند، میزان رضایت ۶ واحد را گزارش کردند که تنها فقط یک واحد بیشتر از گروه همتای سود کمتر خود بودند.

بر اساس نظر «ما»، دادن کیک به شرکت‌کننده‌گان، آن‌ها را تشویق کرد که بر روی جنبه تجربی پاداش خود تمرکز کنند. «ما» می‌گوید: «آن‌ها به جای آن‌که با خودشان فکر کنند؛ چرا کمتر از بقیه کیک دریافت کرده‌اند، می‌گویند این کیک چه قدر خوشمزه است.» «ما» و روئس هشت آزمایش دیگر را که برای سنجش محدودیت‌های این اثر طراحی شده بود، انجام دادند. به گفته روئس، «ما» این آزمایش را بر روی کودکان، بزرگسالان، آمریکایی‌ها، چینی‌ها و با کالاهای دیگر مثل روغن پخت و پز انجام دادیم و سعی کردیم به آن عمومیت ببخشیم. سازگاری نتایج (که پاداش‌های غیر قابل سنجش حتی اگر ناعادلانه باشد، نارضایتی کمتری ایجاد می‌کند) بسیار جالب و گیرا بود.

## آیا دانش مردمی و دانش تخصصی در تضاد اند؟

### ناصر فکوهی

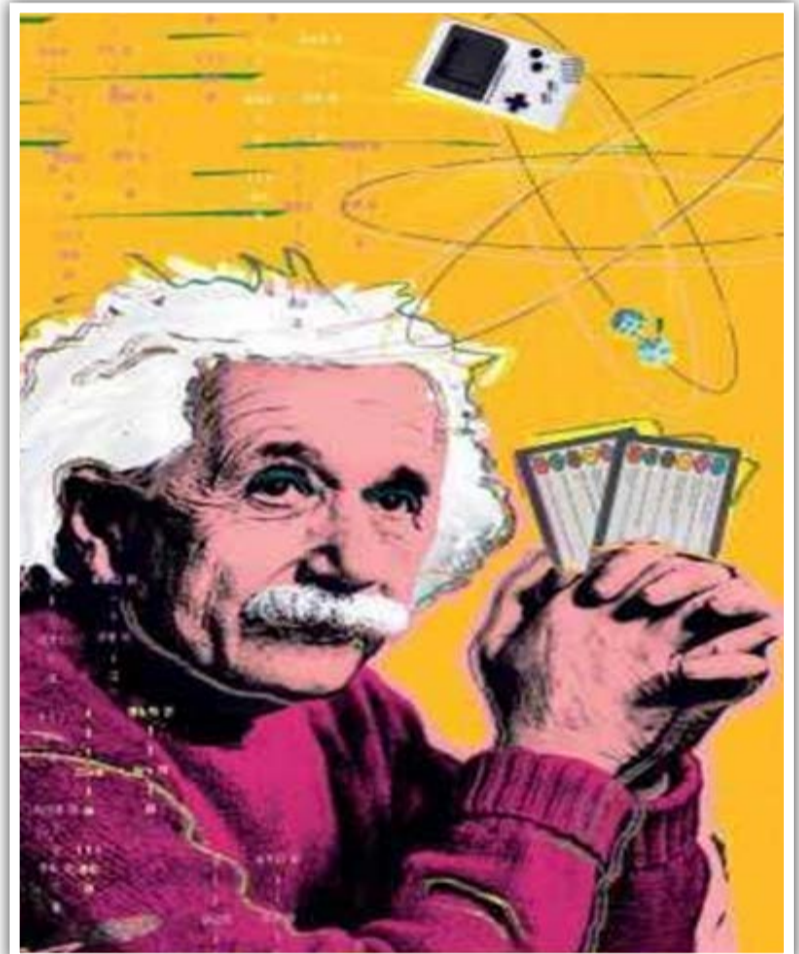
با ظهور دولت ملی و نیاز این دولت‌ها به «مشروعیت پایین به بالای دموکراتیک»، طبعاً دانش دانشگاهی نمی‌توانست از روش‌های خشونت مستقیم و بی‌رحمانه قرون وسطایی برای به کرسی نشاندن باورهای خود استفاده کند. از این‌رو هر چه بیشتر شاهد گسترش مفاهیم و روش‌های «خشونت نمادین» (در معنای بوردیوی این واژه) در قالب‌های نهادینه و سرکوب‌گر شدیم: مدارج دانشگاهی، مدارک، مناصب، سلسله‌مراتب، گفتمان‌های رمزآلود علمی، «روش» در بدترین معنای آن.

امروزه بحث شدیدی میان خود دانشمندان در گیر است و آن این‌که آیا باید به پدیده «مردمی کردن» که عموماً با عنوان تحقیرآمیز «عامیانه کردن» (vulgarization) و یا در ادبیاتی جدیدتر «مردم‌فهم کردن» (popularizing) از آن نام برده می‌شود، امکان داد یا نه؟ بر اساس پاسخی که کنش‌گران علمی به این پرسش می‌دهند، امروزه شاهد ظهور دو گروه درون آکادمی هستیم که رابطی بسیار متفاوت با مفهوم «تخصص» و «علم نهادینه» هستند. گروه نخست و اکثریت که هم‌چنان پای‌بند اصول قرون نوزدهمی و بیستمی هستند و هنوز نتوانسته‌اند تغییر و زیر و رو شدن گسترده جهان را هضم کنند، هم‌چنان از انحصار و کنترل سرسختانه دانش دفاع می‌کنند و به قابلیت اجرایی آن باور دارند و طبعاً تمام ابزارهای مردمی شدن علم را از رسانه‌های کلاسیک مثل مطبوعات گرفته تا آخرین ابزارهای فناورانه چون اینترنت را تحقیر می‌کنند. اما گروه دوم که هنوز اقلیتی بیش در حوزه آکادمی را تشکیل نمی‌دهند، با نگاه و چشم‌اندازی واقع‌بینانه معتقدند اگر در پایان انقلاب صنعتی و در اواخر قرن بیستم، هنوز امکانی برای تداوم یافتن تخصص هژمونیک به مثابه فرمولی سحرآمیز از ترکیب هژمونی سیاسی و شناخت فناورانه جهان بیرونی وجود داشت، انقلاب اطلاعاتی این امر را هر روز بیشتر از پیش ناممکن کرده و چه بهتر که در انقلابی که نظام‌های دانش و دانشگاهی را زیر و رو خواهد کرد، خود در صف نخست و پیش‌نشان قرار داشته باشند. نگاهی به رویکرد پیشرفته‌ترین مراکز علمی جهان (نظیر ام‌آی‌تی در امریکا و موسسه ماکس پلانک در آلمان) در به اشتراک گذاشتن و تسهیل هرچه بیشتر تمام مواد علمی خود برای همه مردم از طریق شبکه‌های مجازی، گویای تیزبینی هوشمندانه این نخبگان علمی است و می‌توان آن را با رویکرد واپس‌گرایانه و سطحی‌نگر برخی از کشورهای جهان سوم مقایسه کرد که تصور می‌کنند هنوز می‌توانند با ابزارهای به‌اصطلاح علمی و باخودشیفته‌گی‌بی که بیشتر تصویری از جهانی پشت سر گذاشته است، جایگاهی در جهان داشته باشند.

اما همیشه در آخرین ردیف‌های همه طبقه‌بندی‌های علمی جهان قرار دارند. از این‌رو به نظر می‌رسد که تغییر رویکرد و نگاه نخبگان دانشگاهی و غیردانشگاهی ما نسبت به پدیده «دانش»، تولید و انباشت و به اشتراک گذاشتن آن، و برای شناخت و درک بیشتر و بهتر موقعیت‌های محلی و جهانی در رابطه با حوزه دانش، امری بسیار ضروری و حتی حیاتی برای تداوم هستی و توانایی زنده‌گی شایسته در جهان کنونی به حساب می‌آید.

پیش‌مدرن، مفهوم «دانش مردمی» مطرح می‌شد، اولاً با «تجربه و آزمون زیسته» محک خورده و رابطه‌ی تنگاتنگ و پیوسته داشت و به همین دلیل دایماً بازبینی و بازمشروعیت می‌یافت و یا مشروعیت خود را از دست می‌داد و ثانیاً اجماعی از پایین به بالا، این مشروعیت را تضمین می‌کرد و نه اجباری از بالا به پایین. این دانش، لزوماً با دانش مدرسی (اسکولاستیک) انطباق نداشت و اغلب حتا لاقلاً در جهان مسیحیت، با آن در تضاد بود. برای مثال نگاه کنیم به فرایند درگیری‌های طولانی‌مدت و هزاران‌ساله بین کلیسا و علم، دفاع سرسختانه کلیسا در طول قرن‌ها از نظریات «علمی» ارسطویی

در این پرسش چند گزاره به میان می‌آید که ابتدا باید آن‌ها را روشن کرد: مفاهیم «دانش»، «مردم» و «تخصص»، هر سه مفاهیمی هستند که معنای امروزی خود را مدیون انقلاب صنعتی و ظهور دولت‌های ملی (دولت - ملت‌ها) و به عبارت دیگر، مدیون فناوری شدن امر سیاسی در قرون نوزده و بیستم هستند. اگر به پیش از قرن نوزده بازگردیم، هرچند بازم با هژمونی قدرت‌های سیاسی دولتی یا غیر دولتی در تعیین این مفاهیم روبه‌رو هستیم، اما این هژمونی، فاقد مشروعیت «دموکراتیک» بوده و لذا نه هم‌چون دولت‌های مدرن کنونی



### اگر در دوران پیش‌مدرن،

### مفهوم «دانش مردمی» مطرح

### می‌شد، اولاً با «تجربه و

### آزمون زیسته» محک خورده

### و رابطه‌ی تنگاتنگ و پیوسته

### داشت و به همین دلیل دایماً

### بازبینی و بازمشروعیت

### می‌یافت و یا مشروعیت خود

### را از دست می‌داد و ثانیاً

### اجماعی از پایین به بالا، این

### مشروعیت را تضمین می‌کرد و

### نه اجباری از بالا به پایین. این

### دانش، لزوماً با دانش مدرسی

### (اسکولاستیک) انطباق نداشت

### و اغلب حتا لاقلاً در جهان

### مسیحیت، با آن در تضاد بود

در برابر «تجربه مردمی» که با عنوان «جادو» و «دسیسه‌های شیطانی» انکار و افشا و با دستگاه تفتیش عقاید، سرکوب می‌شدند.

در کنش‌گران با چنین عمقی درونی شده بودند و نه گستره و انسجام و همگنی یا جهان‌شمولی‌یی که در دوران مدرن می‌بینیم را داشتند. و هر دوی این فرایندها، خود را در قالب «بدیعی» فرض شدن این مفاهیم در حال حاضر نشان می‌دهند. یعنی گفتمان هژمونیک با پرهیز و ایجاد مانع برای بحثی عمیق درباره «هستی‌شناسی»‌های علوم در سطحی قابل درک برای همه‌گان و با تأکید بر حفظ زبانی غیر قابل درک برای عموم، نیاز به مرزبندی میان «علم» و «غیر علم» را به مثابه امری بدیعی قلمداد می‌کند.

«دانش» اما می‌تواند به هر یک از اشکال شناخت حسی و بازنمودها و پردازش‌های ذهنی آن اطلاق شود و نه لزوماً به دانش «دانشگاهی» که معادل مدرنی برای دانش «مدرسی» (اسکولاستیک) پیش‌مدرن بوده است. این در حالی است که مفهوم «مردم» با هر پهنه جغرافیایی کوچک و بزرگی قابل انطباق بود و نه لزوماً با پهنه‌یی که سیاست آن را تعیین و نظام‌های مجازات و سرکوب تضمینش کنند. و سرانجام «تخصص»، امری بود که نظام‌های «اجماع اجتماعی» و «تجربه زیسته» به آن مشروعیت می‌دادند و نه نظام‌های آمرانه سیاسی - دانشگاهی - فناورانه.

با توجه به آنچه گفته شد، اگر در دوران

# مفهوم شناسی ارتباط در مکتب کنش متقابل نمادین

بخش دوم و پایانی



مریم حسین یزدی

**کنش متقابل نمادین، چهارچوبی نظری است که جامعه را محصول کنش متقابل افراد و گروه‌های جامعه می‌داند. طبق این چهارچوب، افراد برای برآوردن نیازهای خود در کنار و در ارتباط یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. به طور خلاصه، کنش متقابل نمادین، بر اهمیت ارتباط نمادین یعنی انواع اداها، اطوارها، نمادها و مهم‌تر از همه زبان تأکید می‌کند و زبان را نظام گسترده‌یی از نمادها می‌داند و معتقدند این ارتباطات نمادین، در واقع در رشد فرد و جامعه نقشی کلیدی دارند. بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادین، انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که با افراد دیگر بر مبنای نمادها یا معنای مفاهیم مشترک، به تعامل می‌پردازند. از این رو کنش متقابل انسانی،**

## کنش متقابل نمادین است

فرایند پویای کنش متقابل بین گوینده و شنونده ظاهر می‌شود. (گودوین، ۱۹۸۱، ص ۱۱۲)

مردم - روش‌شناسان اصطلاح شاخص متن را از علم زبان‌شناسی گرفته‌اند و معنای آن این است که جملات و واژه‌ها در بافت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند. مثلاً جمله «دارد باران می‌بارد.» در یک روز که می‌خواهیم به گردش برویم، پس از یک خشک‌سالی، هنگامی که رودخانه طغیان کرده و آب در ساحل جاری است، هنگام رانندگی و ... می‌تواند دارای معانی گوناگون باشد. گار فینگل معتقد است که هر فعل، کنش یا حرکت انسانی، بُعدی شاخص - متن دارد و در هر متن یا در هر فضای ارتباطی، معانی خاصی می‌یابد. پس برای شناخت هر کنش انسانی، باید به بافت و یا مجموعه‌یی که کنش در آن انجام می‌شود توجه کرد. مثلاً حالت خشم در یک فلم کمدی ممکن است تماشاگران را بخنداند، حال آن‌که همان حالت در یک فلم دراماتیک، ممکن است ایجاد اندوه و تأثر کند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۲۴)

تعیین‌کننده می‌باشد. کنش متقابل یعنی این‌که افراد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و موجب ساختن عمل یکدیگر می‌شوند. کنش متقابل صرفاً به منزله تأثیرپذیری از دیگران نیست، بلکه تأثیر و تأثر متقابل در جریان زمان و موقعیت‌های گوناگون است. در این صورت، یک عمل متحول در حال تغییر مطرح است، نه عمل ساده‌یی که در شرایط محیطی خاص تحقق پذیرد. کنش متقابل نمادی، بر طبیعت کنش متقابل اجتماعی دینامیکی که در میان افراد اتفاق می‌افتد، متمرکز است. واحد مطالعه در این نظریه، کنش متقابل است، تصور فعال و موثر از انسان را ارائه می‌دهد و در این کنش متقابل، جوامع ساخته می‌شود و افراد نیز متحول می‌گردند.

از دیدگاه نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین، اجتماعی شدن به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا توانایی اندیشیدن‌شان را پرورش دهند و به شیوه‌های متمایز انسانی بیاندیشند. انسان‌ها می‌توانند معانی و نمادهایی را که در کنش‌ها و کنش‌های متقابل‌شان به کار می‌برند، بر پایه تفسیری که از موقعیت می‌کنند، تعدیل یا تغییر دهند.

افراد در گفت‌وگوها و عمل‌کردهای‌شان بر اساس مبادله معانی عمل می‌کنند. افراد به دیگران واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه بر اساس نیت‌ها و قصد‌های مبادله‌شده عمل می‌کنند. افراد از طریق ارتباط با هم، نیت یکدیگر را درمی‌یابند و این امر فهم عمل کنش‌گران را به دنبال دارد. ارتباطات به افراد کمک می‌کند تا موقعیت‌شان را تعریف کنند. جنبه‌های برجسته موقعیت‌ها جنبه‌هایی هستند که توسط اشخاص درگیر در موقعیت برای معنابخشی به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. طرف‌داران نظریه کنش متقابل نمادین، استدلال می‌کنند که عملاً همه کنش‌های متقابل میان افراد انسانی، مضمن تبادل نمادهاست.

هنگامی که ما در کنش متقابل با دیگران قرار می‌گیریم، دائماً در جست‌وجوی سرخ‌هایی هستیم برای این‌که چه نوع رفتاری در آن زمینه مناسب است و این‌که چه‌گونه آن‌چه را منظور دیگران است، تعبیر کنیم. کنش متقابل نمادین، توجه ما را به جزئیات کنش متقابل بین افراد جلب می‌کند و این‌که چه‌گونه از آن جزئیات، برای فهمیدن آن‌چه دیگران می‌گویند و انجام می‌دهند، استفاده می‌شود. یکی دیگر از کاربردهای نظریه کنش متقابل، در تحلیل وضعیت‌های چهره به چهره است. این نظریه هم‌چنین می‌تواند نشان دهد که چه‌گونه شیوه‌های مختلف کنش متقابل نمادین، بر انتظارات مردم اثر می‌گذارد.

فرایند پویای کنش متقابل بین گوینده و شنونده ظاهر می‌شود. (گودوین، ۱۹۸۱، ص ۱۱۲)

مردم - روش‌شناسان اصطلاح شاخص متن را از علم زبان‌شناسی گرفته‌اند و معنای آن این است که جملات و واژه‌ها در بافت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند. مثلاً جمله «دارد باران می‌بارد.» در یک روز که می‌خواهیم به گردش برویم، پس از یک خشک‌سالی، هنگامی که رودخانه طغیان کرده و آب در ساحل جاری است، هنگام رانندگی و ... می‌تواند دارای معانی گوناگون باشد. گار فینگل معتقد است که هر فعل، کنش یا حرکت انسانی، بُعدی شاخص - متن دارد و در هر متن یا در هر فضای ارتباطی، معانی خاصی می‌یابد. پس برای شناخت هر کنش انسانی، باید به بافت و یا مجموعه‌یی که کنش در آن انجام می‌شود توجه کرد. مثلاً حالت خشم در یک فلم کمدی ممکن است تماشاگران را بخنداند، حال آن‌که همان حالت در یک فلم دراماتیک، ممکن است ایجاد اندوه و تأثر کند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۲۴)

در واقع دو نوع معنا وجود دارد: نخست، معنای شاخص - متن که اشاره به واژگان و جملاتی دارد که در تمام موقعیت‌هایی که به کار می‌روند، معنای ثابتی دارند، مثل معنای که در فرهنگ‌ها ثبت می‌شوند. دیگر این‌که، معانی به موقعیت‌ها یا بافتی که جمله در آن به کار می‌رود و دانش مشترک کسانی که صحبت می‌کنند، بسته‌گی دارند. هر قطعه‌یی از کلام صرفاً توصیف‌کننده تعامل نیست، بلکه اشاره به بعضی مشخصات موقعیت هم دارد. به سخن دیگر، هر قطعه‌یی از کلام، شاخصی است برای بیش از آن‌چه واقعاً گفته می‌شود. در نتیجه، معنای هر تعاملی وابسته به مکان، زمان، اشخاص حاضر، قصد و نیت عاملان عمل و دانشی است که از نیت یکدیگر دارند. اصطلاح فوق در مطالعات مردم - روش‌شناسی بسیار اساسی است، زیرا تعامل اجتماعی به طور تفکیک‌ناپذیری با بافتی که آن تعامل در آن جریان دارد، پیوند خورده و صرفاً در بافت قابل درک است. این خود در عین حال یکی از مشکلات مردم - روش‌شناسی است، زیرا بنا بر منطقی که در تعریف این مفهوم به کار می‌رود، شخص نمی‌تواند درک کاملی از عمل اجتماعی خارج از بافت داشته باشد، هرچند افراد بر این باورند که می‌توان عمل را خارج از بافت وصف کرد و بر اساس همین باور نیز عمل می‌کنند. (آتول، ۱۹۷۴، ص ۱۸۴-۱۸۸)

نتیجه‌گیری:

عمل انسان صرفاً به واسطه کنش متقابل ایجاد نمی‌شود، بلکه از کنش متقابل بین افراد نتیجه می‌شود. کنش افراد ناشی از آن تفکر فرد و تعریف او از موقعیت است؛ در این صورت تعریف موقعیت در شکل‌دهی کنش متقابل،

در کنار و در ارتباط یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. به طور خلاصه، کنش متقابل نمادین، بر اهمیت ارتباط نمادین یعنی انواع اداها، اطوارها، نمادها و مهم‌تر از همه زبان تأکید می‌کند و زبان را نظام گسترده‌یی از نمادها می‌داند و معتقدند این ارتباطات نمادین، در واقع در رشد فرد و جامعه نقشی کلیدی دارند. بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادین، انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که با افراد دیگر بر مبنای نمادها یا معنای مفاهیم مشترک، به تعامل می‌پردازند. از این رو کنش متقابل انسانی، کنش متقابل نمادین است.

- منابع:
- ۱- ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری (۱۳۵۸)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات جامعه، تهران.
  - ۲- بلومر، هربرت، هربرت مید، جورج (۱۳۷۳)، در آینده بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، توسلی، غلام‌عباس، نشر قومس، تهران.
  - ۳- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفت‌مان، پادگفت‌مان و سیاست، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.
  - ۴- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران.
  - ۵- ریچموند، ویرجینیایی (۱۳۸۷)، رفتار غیرکلامی در روابط بین فردی، موسوی، فاطمه، چاپ اول، نشر دانژه، تهران.
  - ۶- ساسمن، لایل (۱۳۷۶)، تجربه ارتباطات در روابط انسانی، دعایی، حبیب‌الله ف انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
  - ۷- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران.
  - ۸- شرام، ویلبر (۱۳۴۸)، ارتباط جمعی و رشد ملی، رشیدپور، ابراهیم، دانشگاه تهران، تهران.
  - ۹- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، گفت‌مان و جامعه، نشر نی، تهران.
  - ۱۰- کورز، لیویس (۱۳۳۸)، زنده‌گی و اندیشه‌های بزرگان جامعه‌شناسی، ثلاثی، محسن، انتشارات علمی، تهران.
  - ۱۱- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، درآمدی به سخن‌کاوی، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول.
  - ۱۲- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴)، ارتباط‌شناسی، چاپ ششم، سروش، تهران.

منابع انگلیسی:

- Ethnomethodology (1974). Attwell, p(1 since Gar finkel . In Theory and society . Elever scientific publishing co . Amestrdam . Netherlands  
 whos Got Floor?» (1981) Edelsky, C (2 189 :10 language hn society conversational (1981) Goodwin, C (3 organization: Intraction between speakers .and hears . A. Y. Academic press  
 Approoches to (1994) Schiffrin, D (4 . discourse . Blackwell, Oxford  
 (1991) Wallace, A.R. and Alison , W (5 Contemporary sociological theory . New Jersey Pretice Hall

# داکتر عبدالله اتمام حجت کرد!

احمد عمران

به حافظه دارد. اما هر کنش بدون تردید به واکنش می‌انجامد و هر پرسشی، پاسخ خود را می‌طلبد. سخنان آقای عبدالله در جمع بزرگان قومی ولایت‌های جنوبی و شرقی کشور، پاسخ روشن به آنچه بود که در افغانستان صورت گرفته و پس از این هم صورت خواهد گرفت. آقای عبدالله به‌صراحت مواضع خود را در برابر ارگ تیم رقیب و کمیسیون‌های انتخاباتی بیان کرد. او تنها از جانب خود سخن نمی‌گفت. صدای داکتر عبدالله در آن جمع با صدای شرکت‌کنندگان و میلیون‌ها انسان تشنه عدالت این سرزمین جفاکشیده گره خورده بود. داکتر عبدالله در آن جمع صدایی به وسعت افغانستان بود. صدایی به وسعت عدالت و صلح و وحدت ملی.

ارگ‌نشینان و تیم رقیب، از مسایل مختلف استفاده‌های ابزاری می‌کنند. آن‌ها بارها به شکل مستقیم و غیرمستقیم تلاش کرده‌اند که داکتر عبدالله را به قوم و منطقه خاص تقلیل دهند. از این ابزار که غیراخلاقی‌ترین ابزار تمامیت‌خواهان می‌تواند باشد، به‌صورت بسیار خصمانه علیه داکتر عبدالله استفاده شده است. محمود کززی برادر رئیس‌جمهوری، همین چند روز پیش در گفت‌وگو با رویترز گفت که آقای کززی وضعیت را چنان مدیریت کرد که نشان دهد دو رقیب انتخاباتی، از دو قوم مختلف در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. البته در این مدیریت تلاش پی‌گیرانه انجام شد که داکتر عبدالله در جایگاه متزلزل قرار گیرد. اما جمعیت موجود در گردهمایی تاریخی روز شنبه، عملاً نشان داد که داکتر عبدالله فراتر از مرزهای قومی و زبانی می‌ایستد و فراتر از هر چیزی که تمامیت‌خواهان تلاش داشتند که با استفاده از آن، او را و در حقیقت مردم افغانستان را خوار بشمارند.

اجلاس روز شنبه این حقیقت را به اثبات رساند که داکتر عبدالله پیش از قوم و زبان به اسلام، جهاد و افغانستان تعلق دارد. این اجلاس نشان داد که مردم افغانستان را با حربه‌های کهنه و فرسوده نمی‌توان از هم جدا کرد. داکتر عبدالله، هویت و تاریخ این

سخنرانی روز شنبه داکتر عبدالله در جمع بزرگان قومی ولایات جنوبی و شرقی، به عنوان نقطه عطف تازه‌یی پس از انتخابات دور دوم شناخته می‌شود. آقای عبدالله، زمانی سخنرانی خود را ارایه کرد که اسناد تازه‌یی از تقلب‌های انتخاباتی از سوی تیم اصلاحات و همگرایی در جمع حاضر در نشست فاش ساخته شد و به دنبال آن، شماری از سران قومی ولایات جنوبی و شرقی کشور، در سخنرانی‌های خود با جدیت تمام از مواضع تیم اصلاحات و همگرایی حمایت کردند. این حمایت، نماد روشنی از نفوذ و علاقه‌مندی مردم افغانستان به نامزد مورد اعتمادشان بود؛ حمایتی تاریخی و سرنوشت‌ساز که بر بسیاری از معادلات تیم رقیب و ارگ‌نشینان خط بطلان کشید. فراموش نکنیم که سیاست در تیم رقیب اصلاحات و همگرایی و هم‌چنین حلقه ارگ ریاست‌جمهوری که بحران فعلی را به‌وجود آورده و مدیریت می‌کند. به شدت غیراخلاقی شده است. سیاست بدون اخلاق، به استبداد می‌انجامد؛ همان تیوری‌یی که می‌گوید «هدف وسیله را توجیه می‌کند». آقای کززی و تیم رقیب اصلاحات و همگرایی، چنان از صفت‌های انسانی تهی شده‌اند که به چیزی غیر از قدرت نمی‌اندیشند. خلاف آنچه که آقای کززی می‌گوید از سیاست خسته شده و دیگر در پی ماندن در کرسی ریاست‌جمهوری نیست؛ ولی در عمل، چنان دلش با سیاست و ارگ گره خورده که حتا به بهای ریختن خون افراد بی‌گناه نیز حاضر است که در قدرت باقی بماند. تنها کافی است نگاهی کوتاه به اتفاق‌های چند ماه اخیر کشور انداخته شود تا عمق فاجعه جاری را دریابیم.

آقای کززی با وقاحت تمام، دست به بزرگ‌ترین خیانت تاریخی در افغانستان زده است. عمق خیانت آقای کززی که بازی با رای مردم است، به اندازه خیانت تمام دیکتاتورهای است که تاریخ آن‌ها را

## رستاخیز مردم...

از گوسفند انزجار خود را از قلب و متقلبین اظهار داشت.

در سوی دیگر شهر، حاجی محمد محقق معاون دوم تیم اصلاحات و همگرایی که در میان جمع بزرگی از شهروندان غرب کابل سخن می‌زد، گفت: «شما مردم عزت‌مند در دور اول انتخابات نیز تیم اصلاحات و همگرایی را به پیروزی رسانیدید. اما دست‌های پشت پرده نگذاشتند و درصدد این تیم را پایین اعلام کردند، اگر نه آرای تیم اصلاحات و همگرایی به ۵۶ فیصد رسیده بود. تیم اصلاحات و همگرایی به خاطر اتمام حجت، چون تیم رقیب، تأکید داشتند که به دور دوم می‌رویم، ما هم رفتیم. اما متأسفانه که از دوسه نقطه، آن‌ها دو سه میلیون رای را تقلب کرده و به اراده مردم خیانت کردند.»

معاون دوم تیم اصلاحات و همگرایی تأکید کرد که آرای پاک از ناپاک باید جدا شده و در نقاطی که تقلب شده مطابق به قانون انتخابات باید انتخابات دوباره برگزار شود.

آقای محقق با اشاره با استعغای رئیس دبیرخانه کمیسیون انتخابات بیان داشت، وقتی تقلب کار رفت، قلب آن همراه با دار و دسته اش نیز برود.

پاک‌کاری جاده‌ها

معترضانی که در راهپیمایی روز جمعه اشتراک کرده بودند، شمار شان به بیش از صدها هزار تن می‌رسید که مسیر چند کیلو متری را پیموندند تا به مرکز اصلی تجمع (چوک فواره آب) در نزدیکی ارگ رسیدند. این معترضان بعد از پایان یافتن اعتراضات مدنی‌شان مسیری را که پیموده بودند، دوباره از وجود بوتل‌های آب، نوشابه، پلاستیک و... پاک کردند که به پنداشت شماری از شهروندان بی‌پیشینه‌ترین برخورد در راهپیمایی‌هایی بوده است که در جریان سال‌های گذشته در کشور اتفاق افتاده بود.

به گفته مسوولان نهادهای امنیتی در جریان این راهپیمایی به هیچ شهروند و نهادهی خساره وارد نگردیده است.

این اعتراضات عصر همان روز در نزدیکی خانه داکتر

سرزمین است، زیرا او خود را فرزند همین مردم می‌داند و برای خدمت‌گزاری به آن‌ها قیام کرده است. به نظر من، داکتر عبدالله با سخنرانی روز شنبه خود، اتمام حجت کرد. او پیام واضح خود را به جهان، مردم و دولت افغانستان ارایه کرد. او به جهان گفت که افغانستان در آستانه تحولی بزرگ قرار دارد و باید این تحول به گونه جدی مورد حمایت قرار گیرد. جامعه جهانی برای مبارزه با هراس‌افکنی و ایجاد شرایط صلح‌آمیز در منطقه، نیاز به شریک سیاسی مدیر در افغانستان دارد؛ شریک سیاسی‌یی که مشروعیت آن از آرای مردم به‌دست آمده باشد و بتواند جامعه را مدیریت کند.

پیام داکتر عبدالله به مردم افغانستان، از همه روشن‌تر بود. او به مردم وعده داد که از تک‌تک آن‌ها پاسداری خواهد کرد. او به مردم اطمینان داد که حاکمیت فردا، حاکمیت مردم خواهد بود و بالاخره پس از سیزده سال، مردم این فرصت را به‌دست می‌آورند که بر سرنوشت‌شان حاکم شوند.

سخنان داکتر عبدالله به دولت و تیم حاکم نیز به اندازه لازم کافی روشن بود. او پیام روشن خود را به تمامیت‌خواهان و دزدان رای مردم ابلاغ کرد. داکتر عبدالله گفت اجازه نخواهد داد که کسی بر مبنای تقلب به قدرت برسد.

در حقیقت، سخنرانی روز شنبه رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، برآمده از یک مسوولیت تاریخی بود. آقای عبدالله به عنوان پاسدار ارزش‌های مردمی و وظیفه داشت که برای یک بار و همیشه، وضعیت خود را به همه‌گان روشن سازد، به‌خصوص این که مردم در انتظار چنین موضع‌گیری‌یی بودند.

در همین حال، این نکته نمادین را هم نباید کم بها داد که شرکت‌کنندگان اجلاس روز شنبه، از داکتر عبدالله به عنوان رئیس‌جمهور قانونی کشور استقبال کردند و با همین لقب نیز از او خواستند که پشت میز خطابه بیاید.

به گروهان گرفته است و خواهان حفظ قدرت و بقا در ارگ است و اگر راه‌کاری برای بیرون کردن او از ارگ روی دست نگیریم، او کماکان به گروهان‌گیری همه ما ادامه می‌دهد.

در اخیر این نشست، واحد سیاسی تیم اصلاحات و همگرایی بسته صدایی دیگری از تقلبات سازمان یافته در انتخابات دور دوم را نشر کرد.

در این بسته صدایی، بحث‌های محب الله صمیم والی پکتیکا، ضیال‌الحق امرخیل رئیس پیشین دبیرخانه کمیسیون انتخابات، نادرخان کنوازی عضو مجلس، آدم خان سیرت رئیس دفتر امرخیل و رئیس دفتر کمیسیون انتخابات در پکتیکا نشر گردید که مصروف نقشه در آوردن برای تقلب در انتخابات بودند.

در این مکالمات پخش شده نشان داده می‌شود، صندوق‌هایی تقلبی‌یی که یک شب پیش از برگزاری انتخابات به نفع اشرف غنی احمدزی در ولسوالی برم‌ل پُر شده بود و توسط ارتش ملی افشا شد، نقشه‌یی ریخته می‌شود تا ارتش ملی متهم به تقلب گردد.

تیم اصلاحات و همگرایی از چندین هفته بدین سو به دلیل آنچه تقلبات سازمان یافته گفته می‌شود روابط خود را با کمیسیون انتخابات به حالت تعلیق در آورده و نمایندگان خود را از این کمیسیون فراخوانده است. با به تعلیق در آمدن روابط تیم اصلاحات و همگرایی با کمیسیون انتخابات شمار زیادی از شهروندان و فعالین مدنی جنبشی را زیر نام «جنبش ضد تقلب» راه‌اندازی کرده و دست به اعتراضات مدنی زده اند.

این معترضان در بخش‌های مختلفی از شهر کابل و ولایات دیگر چادر برپا کرده و خواستار به محاکمه کشاندن متقلبین گردیده اند.

این معترضان هم‌چنان گفته اند، تا زمانی که به خواسته های برحق آنان رسیده‌گی صورت نگیرد به اعتراضات خود ادامه داده و دامنه این اعتراضات در تمامی ولایات کشور گسترش خواهد یافت.

با این وصف اما، کمیسیون انتخابات گفته است که آنان به کارهای شمارش آرا ادامه می‌دهند و تا روز چهارشنبه همین هفته نتایج ابتدایی انتخابات را اعلان خواهند کرد.

## ۱۷ فیر راکت از آنسوی خط دیورند به کنر اصابت کرد



مقامات محلی ولایت کونړ می‌گویند که در جریان شب (یکشنبه شب) گذشته، حدود ۱۷ راکت از پاکستان به ولسوالی دانگام این ولایت پرتاب شده است.

عبدالحیب سیدخیل فرمانده پولیس ولایت کونړ به رسانه‌ها گفته است: این راکت‌ها به کسی آسیب نرسانده است.

به گفته آقای سیدخیل، از آغاز ماه حمل تا حال، بیش از ۲ هزار راکت به ولسوالی سرحدی ولایت کونړ پرتاب گردیده که منجر به تلفات مالی و جانی به باشندگان این مناطق گردیده است.

این در حالی است که موضوع راکت پراکنی پاکستان از سوی حکومت افغانستان جدی گرفته شده و بارها حکومت خواهان توقف حملات راکتی نظامیان پاکستان از آنسوی خط دیورند شده است؛ اما تا حال اقدامی جدی علیه این عمل پاکستان صورت نگرفته است.

چندی قبل سفیر پاکستان در کابل از سوی وزارت خارجه کشور پیرامون این موضوع احضار شد و پس از آن، دو روز قبل نیز رییس مشاور امنیت ملی کشور همراه با چند تن از مقامات بلند رتبه دولتی به اسلام‌آباد سفر کردند تا در این رابطه به صورت جدی مذاکره به عمل آید.

گفتنی است که در پی حملات راکتی پاکستان که از چند ماه به این سو افزایش یافته است؛ ده‌ها خانواده مجبور به ترک خانه‌های شان شده اند.

## تیم تحول و تداوم، محاسبه...

کتابه‌یی قرار دارند، هیچ‌گاه از ادبیات انگیزشی و سلبی علیه رقیب استفاده نمی‌کنند؛ اما اظهارات اتوکشیده برخی سخن‌گویان تیم تحول، آشکارا سکتاریستی و آلوده به آهنگ یک حس نخوت است.

به این سخن لالی حمیدزی توجه کنید: اگر ما رییس کشور شدیم، ولایت‌های پنج‌شیر و دایکنندی را دوباره ولسوالی خواهیم ساخت. جاغوری هم مثل سنگ در جایش سنگین ولسوالی خواهد بود.

این افراد غیرمسول، واقعاً از تیم تحول نماینده‌گی می‌کنند؟

هر دو تیم باید پا را از حدود معقولات فراتر نگذارند. اگر داکتر عبدالله به صدر قدرت برود؛ برای قریب نیمی از افغانستان که به داکتر غنی رای داده اند؛ نیز رییس جمهور منتخب خواهد بود و بالعکس. برخی‌ها انتخابات را جبهه جنگی قیاس کرده و فراموش می‌کنند که نگاه حذفی به میلیون‌ها هوادار طرف مقابل، به معنی اعلام جنگ است. در تاریخ افغانستان، پیروز جنگ هرگز وجود ندارد؛ برعکس بازنده جنگ همیشه مشخص و خانه‌ویران است.

آسیب‌پذیری تیم اصلاحات این است که جدال سیاسی را به رسم «جبهه‌یی» و از طریق «ان‌شاءالله» پیش می‌برد و دست‌خوش بی‌نظمی و مصلحت‌گرایی‌های سنگ شده است. هر کار درست یا غلطی که از آنان سر می‌زند؛ بازهم در لایه لایه ساختار اجتماع، حضور دارند. امریکا تا حالا با این‌ها کنار آمد؛ بازهم می‌آید.

انتظار می‌رود که روی گزینه‌های مشکوک تمرکز نکنند. از قدرت نظامی جنرال دوستم هم ذوق‌زده نباشید. جنرال دوستم پیش از دیگران نتیجه گرفته است که عصر جنگ‌های خانه به خانه و گروگیری شاهراه‌ها و تپه‌ها سپری شده است. او کارآزموده‌تر از آن است که مردم خود را از برای اعطای صدرنشینی به چند متخصص نانوشت‌آثار و کتاب‌(البته غیر از دکتر اشرف‌غنی احمدزی و جلالی) و بی‌خبر از ماهیت تاریخ کشور که خانواده‌ها را در خارج رها کرده و این‌جا جولان می‌دهند؛ در آتش دشمنی با دیگر اقوام بیان‌دزد. چون، جنگ و گریز در اراضی این خانه کوهستانی، به‌سان چرخه توقف‌ناپذیر لیل و نهار است.



## تیم تحول و تداوم، محاسبه غلط نکند!



رزاق مأمون

از بابت اسناد تکه درباره امرخیل، خنجرهای زهرآگین تری را ته آستین دارد.

چند سخنگوی تیم تحول به ارتباط شنود مکالمات، بر تیم رقیب الزام تخطی از قانون وارد می‌کند: شما با این کار قانون را نقض کردید. اما همان دم فراموش می‌کنند که همین الزام دفاعی، تأییدکننده ادعاهای مطرح شده علیه امرخیل است! یعنی درست است که امرخیل چنین خطایی را مرتکب شده، مگر شما هم قانون را نقض کرده‌اید!

این استدلال «چوبین» اتوریته تیم تحول را تحت تأثیر قرار داده است. آن‌چه از امرخیل در رسانه‌ها رو شده، تازه مانند نوک کوه یخ در یک دریای عظیم است. اگر مجموعه مکالمات امرخیل با ده‌ها مسوول سایت‌های انتخاباتی را به شکل شنیداری و پرینت شده روی میز شما بگذارند؛ آن‌گاه چه خواهید کرد؟

بحث خیانت ملی دارای مؤلفه‌های طبقه‌بندی شده است که در مباحث قانون و تنبیه از زوایای مختلف تشریح شده است. جرم امرخیل با توجه به خیره‌سری نسبت به اراده میلیون‌ها خلق زمین‌گیر شده، فقیر و درمانده که به آخرین امیدها تحت نام ایجاد یک نظام مبتنی بر قانون‌مداری و مردم‌سالار چشم دوخته؛ از مصادیق خیانت ملی است. در این‌که این شخص، تیشه بر ریشه نونهال هم‌پذیری، تفاهم ملی و اعتماد عمومی زده است؛ هیچ جای انکار نیست و بهتر است بیش از این، فعالان

من نسبت به برتری‌های تیم «تحول و تداوم» در این شرایط تاریخ سیاسی افغانستان، دلایل موجهی نزد خود دارم که در این اجمال نیازی به شرح آن نیست. این را گفته باشم که تیم تحول زیاده از ظرفیت، گمان نبرد که نور چشم جامعه بین‌المللی است و با گزینه‌ی دیگر قابل معاوضه نیست.

امریکا کشوری است که نورچشمی‌های خود را عندالاقضا دسته‌جمعی به تمساح‌ها طعمه می‌دهد. تابوت هزاران نظامی و شهروند غربی از مسلخ افغانستان به کشورهای غربی منتقل شده است. تاوان‌پذیری تیم «تحول» در دفاع پُرحرارت از انحراف زیان‌بار امرخیل، در مضروب کردن اعتماد عمومی در این شرایط شکننده، بیشتر از خود امرخیل است.

امریکا برده و مدیر منافع خود است و هرگز به خاطرخواهی تیم تحول، با نمی از مردم افغانستان وارد جنگ نمی‌شود. این سرزمین اسرار غافل‌گیرکننده‌ی دارد که هرگاه یک نیروی حاضر در صحنه، پا از هنجارها و قانون‌مندی برون می‌نهد؛ در چاه فرضیه‌های خودش دفن می‌شود. تسلیم شدن به یک حس مشترک برای اشتراک در جرم امرخیل، به منظور ایستاده‌گی صوری در برابر رقیب، تاکتیک نیست؛ یک ریسک تمام‌عیار است. تیم اصلاحات که دسترسی به محرمانه‌های دولتی دارد،

تیم تحول، بی‌جهت بر طبل کفیده «شجاعت» امرخیل نکوبند.

مشوره من این است در این معرکه زیاد جلو نروید که تیم اصلاحات شما را درگرداب رسانه‌ی و محکومیت افکار عامه، غرق خواهد کرد. در این کشور، قانون از نظر عملی، صرفاً یک واژه است. از رئیس‌جمهور تا یک نگهبان اداره دولتی، از هر چیزی حساب می‌برد؛ جز قانون. مگر از امرخیل سوال شده است که این خبط نابخشودنی را در چهارچوب کدام قانون مرتکب شده است تا بر اساس همان قانون، حلقه مسوولیت را به گردن اصلاحاتی‌ها بیندازد؟ این نوع تکبر گفتاری، نه دیپلماتیک است؛ نه قادر است مغز جوشانِ نیمی از رأی‌دهنده‌ها را سرد بسازد.

اشاره کردم که زیاد به مهندسی بین‌المللی انتخابات هم حساب نکنید. امریکا که دنیا را مدیریت می‌کند، برای رئیس‌جمهور ساختن دکتر اشرف‌غنی به هر قمار پرهزینه و خطرآفرین دست نمی‌زند. هیچ نیروی سیاسی به نفع تیم تحول و تداوم از صفحه هستی ساقط‌شدنی نیست و هیچ نیرویی را هم در جهان سراغ نداریم که به چنین معجزه‌ی مجهز باشد. وضع اگر بیش از این وخیم شود، راه معامله‌های دراماتیک‌تر باز می‌شود. هسته متخصص تیم تحول، مدیرانِ کار دیده و فهیم هستند؛ اما بر فرض، اگر شیپور آزمون بقا یا نیستی بلند شود، غیر از جنرال دوستم تمامی ارکان تیم تحول، در مقایسه با تیم رقیب، سُست‌ریشه و منزوی‌اند.

درست است که دزدان کابل‌بانک و بسیاری خاطبان در تیم اصلاحات صف بسته‌اند؛ غداران مالی و حاملان روحیات هیستریک در تیم تحول هم کم نیستند، اما خاصیت این مملکت خراب‌شده این است که هرگاه نظم از دست برود، همین‌ها دو باره شامل فهرست عزیزان امریکا، ایران یا پاکستان؛ و موازی با آن، به سرداران مردم عام تبدیل می‌شوند. مردم عام همواره دست‌شان خالی‌ست و به آستین‌های چرب و آذوقه روزمره نگاه می‌کنند. سخن‌گویان تیم اصلاحات علی‌رغم آن که در محاصره هیجان...

ادامه صفحه ۶

## طالبان همچنان کنترل مناطقی را در جنوب افغانستان در اختیار دارد



در حالی که ارتش و پولیس افغانستان تلاش می‌کنند ثابت کنند می‌توانند بدون کمک ناتو، شورشیان را شکست دهند، افراد محلی روز یکشنبه اعلام کردند طالبان در درگیری ۱۰ روزه با نیروهای افغان، جای پای خود را در جنوب افغانستان محکم کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از قندهار، تهاجم هماهنگ ۸۰۰ جنگجوی طالبان به قرارگاه‌های نظامی و پاسگاه‌های پولیس نوزدهم ماه جون آغاز شد و نیروهای افغان برای بازپس‌گیری بخش‌هایی از منطقه سنگین در ولایت هلمند، وارد عمل شدند.

به رغم ادعاهای دولت افغانستان در این خصوص که طالبان در یک رشته ضدحملات متحمل شکست شده است ولی هاشم الکوزی، یک ریش‌سفید محلی در گفتگو با خبرگزاری فرانسه اعلام کرد شورشیان با موفقیت از دو بخش مهم منطقه دفاع کرده‌اند.

الکوزی پس از فرار به لشکرگاه مرکز هلمند اعلام کرد: «دولت، نیروهای کمکی بیشتری به سنگین فرستاده است ولی طالبان همچنان کنترل دو بخش بارکزی و بوستانزی را در دست دارد».

وی افزود: «حامد کرزی رئیس‌جمهور (افغانستان) وعده داده است برای ما کمک بفرستد ولی این کافی نیست، مردم ما به غذا و سرپناه نیاز دارند». سنگین که یک منطقه از لحاظ راهبردی مهم است و در کانون تجارت سودآور تریاک افغانستان واقع شده، برای سال‌ها صحنه درگیری شدید بین طالبان و نیروهای ناتو تحت فرماندهی امریکا بوده است.

با توجه به اینکه ماموریت رزمی ناتو امسال پایان می‌یابد، تهاجم طالبان به عنوان آزمونی برای نیروهای دولتی افغانستان به حساب می‌آید که توسط ناتو آموزش دیده‌اند و هم اکنون مسوول فرونشاندن فعالیت شورشیان قلمداد می‌شوند.

نیروهای انگلیسی به مدت چهار سال درگیر نبردهای خونباری در سنگین بودند که نتیجه‌چندانی نداشت تا اینکه تفنگداران دریایی امریکا اواخر سال ۲۰۱۰ جایگزین آنها شدند و در نهایت ماه گذشته از این منطقه خارج شدند. عمر زواک، سخنگوی والی هلمند در گفتگو با خبرگزاری فرانسه اعلام کرد: «درگیری در برخی بخش‌های سنگین همچنان ادامه دارد. نیروهای کمکی بیشتری برای برچیدن مقاومت برخی گروه‌ها، اعزام شده است».

«فصل درگیری» تابستان امسال، آخرین برای نیروهای رزمی تحت رهبری امریکا مستقر در افغانستان خواهد بود.

جنگ ۱۳ ساله در افغانستان جان سه هزار و ۵۰۰ نظامی خارجی را گرفته و توانسته است طالبان را شکست دهد.

### اطلاعیه مدیریت تصفیه کابل بانک!

مدیریت تصفیه کابل بانک می‌خواهد یک در بند تجارتی به مساحت (۱۷۳) متر مربع را که در دروازه بلخ شهر مزار شریف موقعیت دارد و مندرج قباله خط شرعی بیع جایزی شماره ۷-۴۲۵ مورخ ۱۳۸۵/۲/۲ مرتبه محکمه ابتداییه مرکز ولایت بلخ به اسمی عصمت الله فرزند مهرالله می‌باشد در مقابل قرضه شرکت مهرزاد انصاری لمتد تحت تضمین گذاشته است و معیاد قرضه بدون تصفیه بسر رسیده از طریق داوطلبی و مزایده مطابق به قرار قضایی نمبر ۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۶ محکمه محترم اختصاصی بحران کابل بانک به فروش برساند.

اشخاص، موسسات خصوصی و دولتی که خواهش خریداری آن را داشته باشند، درخواستی های خویش را از تاریخ نشر اعلان الی مدت ۲۰ روز به دفتر مرکزی زون شمال دافغانستان بانک واقع شهر مزار شریف تسلیم نموده شرطنامه و مشخصات را ملاحظه تضمین اخذ می‌گردد.

به مالک جایداد فوق الذکر نیز ابلاغ می‌گردد تا در روز داوطلبی که به تاریخ ۲۵ سرطان برگزار می‌گردد در جلسه حاضر باشد، در غیر آن حق شکایت را ندارد.

یاد داشت: در صورت ضرورت به شماره های ذیل به تماس شوید.

شماره ها : ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/۰۷۰۰۴۶۶۶۶۸

### اطلاعیه مدیریت تصفیه کابل بانک!

مدیریت تصفیه کابل بانک می‌خواهد یک در بند حویلی در یک منزل دارای شش اتاق نشیمن، تکوی، ۲ تشناب، ۱ آشپزخانه و دهلیز کلان که به مساحت دو جریب و سه بسوه زمین، مندرج قباله خط شرعی نمبر ۱۳۳/۱۸ مورخ ۱۳۸۶/۲/۴ اسمی شیرین خان ولد محمد مراد مرتبه محکمه ابتداییه مرکز ولایت جوزجان در مقابل قرضه شرکت زراعتی و مرغداری برلاس در بدل قرضه تحت تضمین گذاشته است و معیاد قرضه بدون تصفیه بسر رسیده از طریق داوطلبی بانک به فروش برساند. اشخاص، موسسات خصوصی و دولتی که خواهش خریداری آن را داشته باشند، درخواستی های خویش را از تاریخ نشر اعلان الی مدت ۲۰ روز به دفتر بانک مرکزی ولایت جوزجان تسلیم نموده شرطنامه و مشخصات را ملاحظه تضمین اخذ می‌گردد. به مالک جایداد فوق الذکر نیز ابلاغ می‌گردد، تا در روز داوطلبی که به تاریخ ۲۸ سرطان برگزار می‌گردد در جلسه حاضر باشد، در غیر آن حق شکایت را ندارد.

یادداشت: در صورت ضرورت به شماره های ذیل به تماس شوید.

شماره ها : ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/۰۷۰۰۴۶۶۶۶۸